

۵۵ روز در پکن

X روز در کابل

این است؟

همان‌گونه که در پایان آن فیلم سیاستمداران میهن‌دوست و مبارزان آزادیخواه چینی قربانی زورگویی و توطئه‌های غریبان شدند، در افغانستان نیز شاهدیم که وقایع به گونه‌ای پیش می‌رود که اگر حادثه‌ای روی ندهد، افتخارات ۲۴ سال نبرد در مقابل اشغالگران روسی و سپس طالبانی که مخلوق سیاست‌های همین کشورهای غربی بود، بی‌رنگ خواهد شد.

حامد کرزای که به عنوان رییس دولت موقت برگزیده شد، در سفر اخیر خود به آمریکا رضایت داد نیروهای غربی مدت بیشتری در افغانستان بمانند. زرمه‌هایی نه چندان بی‌اساس شنیده می‌شود که (فعلاً!) دلار به جای افغانی، واحد پول افغانستان شود. غریبان بی‌هیچ مانع و مقاومتی، زیرکانه جنبه‌های منفی تمدن خویش را در جسم و روح افغانی‌ها جاسازی می‌کنند. بر تن رزمندگان آنها لباس‌های متحدالشکل پوشانده‌اند و نیروی پلیسی تشکیل داده‌اند که کنترلش در

آغازین این فیلم بیننده شاهد برافراشتن پرچم تعداد زیادی کشور استعمارگر غربی بود و سرود ملی آنها را نیز می‌شنید.

این روزها نیز همان صحنه‌ها در کابل تکرار می‌شود. نیروهایی از کشورهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، روسیه، آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ... در افغانستان مستقر شده‌اند و هر بامداد پرچم ملی خویش را بر می‌افرازند و سرود ملی خویش را می‌نوازند.

۱۰۲ سال پیش، به سال ۱۹۰۰ میلادی، جنبشی مردمی در چین به راه افتاد که بنا به تعریف مورخان غربی شورش باکسرها (بوکسورها = مشت‌زنان) و به تعبیر مورخان بی‌طرف، جنبش باکسرها نام گرفت. این جنبش که از سوی نیروهای مشترک استعمارگران غربی با شدت و بی‌رحمی سرکوب شد، دستمایه دهها تالیف و صداهای مقاله قرار گرفت و هالیوود نیز براساس معیارهای خود از آن فیلمی ساخت (با نام ۵۵ که روز در پکن) هنرپیشگان مشهوری چون چارلتون هستون، اوگاردنر، دیوید نیون و ... بازیگران اصلی آن بودند.

صحنه‌های آغازین آن فیلم، که برای محکومیت و بدوی نشان دادن قیام‌کنندگان چینی ساخته شده بود، از نگاه اهل معرفت، معتبرترین سند برای محکومیت اعمال غربی‌ها در چین بود. چگونگی آن صحنه‌ها را به طور خلاصه چنین می‌توان شرح داد:

در نزدیکی شهر ممنوعه (مجموعه کاخ‌های امپراتوران چین)، در محله سفارت خانه‌ها، دوربین از فراز دیوارها، از سفارتخانه‌ای به سفارتخانه دیگری هدایت می‌شد تا مراسم صبحگاهی نیروهای مسلح مستقر در این سفارتخانه‌ها نشان داده شود. سفارت بریتانیای کبیر، سفارت ایالات متحده آمریکا، سفارت آلمان، سفارت روسیه تزاری، سفارت فرانسه، سفارت ایتالیا و ...

با حضور دوربین فیلمبرداری در سفارتخانه هر کشور غربی، دسته موزیک نظامیان اعزامی از همان کشور که در سفارت مستقر بودند، با نواختن سرود ملی، پرچم کشور خود را در مراسم صبحگاهی بر می‌افراشتند. بدین ترتیب در همان صحنه‌های



آخرین امپراتور چین که قیام باکسرها در زمان فرمانروایی او اتفاق افتاد



گروهی از باکسرها

دست خودشان است. جاده را برای بازگشت محمدظاهر (شاه سابق) آب و جارو می‌کنند و با برخی کشورهای پیرامون افغانستان قراردادهای جدیدی می‌بندند تا نیروهایی را که در آنجاها مستقر کرده‌اند، افزایش دهند و امکانات جدیدی فراچنگ آورند. نیروی مقاومت‌کننده‌ای در افغانستان باقی نمانده است. شاید احمدشاه مسعود به این دلیل چند روز قبل از وقایع ۱۱ سپتامبر به

در ماجرای جنبش باکسرها، فرماندهی عملیات نظامی نیروهای غربی را یک سرگرد ارتش آمریکا (در فیلم چارلتون هستون) برعهده داشت و یکه‌تاز عرصه دیپلماتیک سفیر بریتانیا (در فیلم دیوید نیون) بود. سیاستمداران و نظامیان سایر کشورهای غربی دنباله‌روی آنان بودند و امید داشتند از غنیمت‌های این جنگ سهمی فراچنگ آورند. و اکنون، مگر در افغانستان، وضع غیر از

اما اشغال بخش عمده افغانستان و پایتخت آن، به ۵۵ روز هم نکشید و غربی‌ها خیلی زود و آسان ستون خیمه خود را در این کشور استوار کردند. اکنون پرسش این است که نیروهای متحد غربی در کابل چند روز، چندماه یا چند سال خواهند ماند؟

افغانستان وسعت و جمعیت چین را ندارد. اما اگر گستره عملیات غربی‌ها در منطقه را مدنظر قرار دهیم، در می‌یابیم که میدان عمل کنونی آنها محدودتر از چین سال ۱۹۰۰ نیست. سرکوب قیام پاکسرها در سال ۱۹۰۰ زمینه‌ساز جنبش کومین تانگ و سپس ظهور مائو در چین شد. سرانجام ماجرای که با

خلق طالبان و اسامه بن لادن آغاز شد و بهانه حضور نیروهای غربی در منطقه قرار گرفت، چه خواهد بود؟

پاسخ: هم اکنون کانون‌های مقاومتی



شکل گرفته است. از دل همین کانون‌هایی که اکنون یا ناشناخته‌اند یا کسی برایشان اهمیتی قایل نیست، مردانی ظهور خواهند کرد که محاسبات اشغالگران را بر هم خواهند زد. این، باور خیلی هاست...



تصادفی است یا...؟ البته باید به وجود تفاوتی در این زمینه اعتراف کرد. در وقایع افغانستان، طالبانی که تریاک تولید و تجارت می‌کرد، بهانه‌ای شد تا غربی‌ها به هدف اصلی خود که



حضور در بخش شرقی غنی‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان است، برسند.

باقی قضایا عبارت است از نقشه‌های پنهانی قدرت‌های مستقر در افغانستان برای این کشور و کشورهای پیرامونی آن. فعلا وضع جدید افغانستان این نتیجه را در پی داشته که ۸۰۰ هزار نیروی نظامی هند و پاکستان در مقابل هم صف‌آرایی کنند. وضع در کشمیر به نهایت وخامت برسد و شرایطی فراهم شود که تا دو قدرت مجهز به سلاح اتمی در شب قاره هند، درگیر یک جنگ همه‌جانبه



شوند. تهدیدهای مداوم در مورد حمله به چند کشور نیز وضع منطقه را بحرانی و متشنج نگه داشته است. ماجرای سرکوبی پاکسرها در چین ۵۵ روز طول کشید. پس از ۵۵ روز نبرد در پکن، قدرت‌های غرب زالووار به جان چینی‌ها که از پا درآمده بود، افتادند و چند صباحی دیگر خونش را مکیدند.

قتل رسید تا دیگر کسی نباشد که در دره پنج شیر موضع بگیرد و هسته‌های مقاومتی از مردان با غیرت افغانی تشکیل دهد. از یاران مسعود هم خبری نیست. به نظر

می‌رسد در تقسیم قدرت و پست‌ها چنان زیرکانه عمل شده که همراهان و هم‌زمان وی در نقساط مختلف و پست‌های غیرمرتبط با هم، پخش و پلا شده‌اند. از اسامه بن لادن و ملا محمد عمر هم خبری نیست. گویا آنان آدم‌های درجه دومی بوده‌اند که حالا حرف زدن از آن‌ها و نقشی که ایفا کردند، وقت تلف کردن است و همان‌گونه که در شماره پیش نوشتیم، به احتمال زیاد، این دو یا هرگز پیدا نخواهند شد، یا جنازه‌شان را به نمایش خواهند گذاشت!

و بگذرید حالا که نام ملا محمد عمر به میان آمد به یک تشابه دیگر بین رویدادهای چین در سال ۱۹۰۰ با رویدادهای افغانستان در



سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ اشاره کنیم. رویدادهای سال ۱۹۰۰ چین و جنبش پاکسرها فصل‌نهایی تجارت پرسود تریاک در چین و جنگ‌های انگلیس علیه چین بر سر استمرار همین تجارت بود. ملا محمد عمر هم مظهر تولید و تجارت ترک در افغانستان بود. این تشابه

